... ادامه از صفحه قبل

نقش رهبری در جهاد تبیین

رهبر معظم انقلاب اسلامی، به‌عنوان ولی‌فقیه و نماینده امام معصوم علیه‌السلام، احاطه کامل به مسائل مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی دارند. ایشان در خط مقدم جبهه دفاع از اسلام ناب و نظام جمهوری اسلامی قرار دارند و همواره با ارائه رهنمودهای دقیق و راهبردی، مسیر را برای ما روشن می‌کنند. بنابراین یکی از بهترین راه‌ها برای پیشبرد جهاد تبیین، استفاده از رهنمودهای رهبری است. ایشان با بیان شیوا و دقیق خود، مسائل پیچیده را خلاصه و روشن می‌کنند و راه‌حل‌های مناسب را ارائه می‌دهند.

وظیفه ما در قبال نظام ولایت فقیه

وظیفه ما در قبال نظام ولایت فقیه و انقلاب اسلامی، چند بعدی است:

۱. تبیین مبانی فکری و اعتقادی نظام: باید به‌طور دقیق و روشن، مبانی فکری و اعتقادی نظام جمهوری اسلامی را برای مردم، به‌ویژه نسل جوان، تبیین کنیم.

۲. دفاع از نظام در برابر تحریف‌ها و شبهات: باید با استفاده از ابزارهای علمی، فرهنگی و رسانه‌ای، به مقابله با تحریف‌ها و شبهات دشمنان بپردازیم.

۳. نقد سازنده و ارائه راه‌حل: باید به‌طور منصفانه به نقد مشکلات و کاستی‌ها بپردازیم و راه‌حل‌های مناسب را ارائه کنیم، بدون اینکه اصل نظام را زیر سؤال ببریم.

۴. پیروی از رهنمودهای رهبری: باید همواره از رهنمودهای رهبری استفاده کنیم و در مسیری که ایشان ترسیم می‌کنند، گام برداریم.

۵. کمک‌کردن به انقلاب در هر زمینه‌ای که توان آن را دارد؛ زیرا آن، حمایت عملی از حاکمیت دینی است.

▫ چگونه می‌توان پیوند اخلاق و سیاست را در اندیشه امام خمینی قدس‌سره بررسی کرد؟ دیدگاه اخلاقی بنیانگذار انقلاب اسلامی، چه تأثیری بر سیاست‌گذاری و مدیریت جامعه اسلامی داشته است؟ آیا می‌توان گفت که اخلاق‌محوری در سیاست از دیدگاه امام خمینی قدس‌سره به‌عنوان یک اصل اساسی در نظام جمهوری اسلامی تبلور یافته است؟ و چگونه این نگرش در مدیریت جامعه و سیاست‌های کلان کشور نمود پیدا کرده است؟

بحث پیوند اخلاق و سیاست در اندیشه امام خمینی قدس‌سره، یکی از مباحث عمیق و تأثیرگذار در فلسفه سیاسی اسلام است. امام خمینی به‌عنوان بنیانگذار انقلاب اسلامی، نه‌تنها یک رهبر سیاسی، بلکه یک عالم اخلاقی و عارفی بود که همواره بر لزوم تلفیق اخلاق و سیاست تأکید می‌کرد. از دیدگاه ایشان، سیاست بدون اخلاق، به فساد و ظلم می‌انجامد و اخلاق بدون سیاست، نمی‌تواند در سطح جامعه تحقق یابد.

دیدگاه اخلاقی امام خمینی قدس‌سره

امام خمینی قدس‌سره بر این باور بودند که سیاست واقعی، همان اخلاق عملی است. ایشان معتقد بودند که حاکم اسلامی باید پیش از هر چیز، یک انسان اخلاق‌مدار باشد و خود را در برابر خداوند و مردم مسئول بداند. از دیدگاه ایشان، سیاستی که بر پایه اخلاق استوار نباشد، نمی‌تواند به عدالت و سعادت جامعه بینجامد. ایشان در کتاب «چهل حدیث» و دیگر آثار خود، همواره بر لزوم تهذیب نفس و رعایت اخلاق در تمامی عرصه‌های زندگی، از جمله سیاست، تأکید کرده‌اند.

تأثیر دیدگاه اخلاقی امام خمینی قدس‌سره بر سیاست‌گذاری و مدیریت جامعه اسلامی

امام خمینی با تأکید بر پیوند اخلاق و سیاست، الگویی جدید در برابر حکومت‌های الحادی و سکولار از حکومت دینی ارائه دادند که در آن، اخلاق دینی و عدالت و خدا و دین‌محوری، محور اصلی سیاست‌گذاری و مدیریت جامعه است. ایشان معتقد بودند که حاکم اسلامی، باید دارای فضایل اخلاقی مانند: تواضع، عدالت، صداقت و مسئولیت‌پذیری باشد. این فضایل اخلاقی، نه‌تنها در رفتار شخصی حاکم، بلکه در سیاست‌های کلان جامعه نیز باید تجلی یابد.

سیاست به‌عنوان مدیریت جامعه بر اساس شرع مقدس

همان‌طور که اشاره شد، سیاست در اندیشه امام خمینی قدس‌سره به‌معنای مدیریت جامعه بر اساس دستورات شرع مقدس است. این مدیریت، تنها در صورتی می‌تواند موفق باشد که حاکم و کارگزاران نظام، خود را در برابر خداوند و مردم مسئول بدانند و از فضایل اخلاقی برخوردار باشند. امام خمینی قدس‌سره همواره بر این نکته تأکید داشتند که حاکم اسلامی باید از تکبر، خودبینی و انحصارطلبی دوری کند و در برابر حق و مردم، تواضع داشته باشد.

تواضع در برابر حق و مردم

تواضع در برابر حق و مردم، یکی از اصلی‌ترین فضایل اخلاقی است که امام خمینی قدس‌سره بر آن تأکید داشتند. ایشان معتقد بودند که حاکم اسلامی باید همواره در برابر دستورات الهی و خواسته‌های مردم، تواضع داشته باشد و خود را بالاتر از دیگران نبیند. این تواضع، نه‌تنها در رفتار شخصی حاکم، بلکه در سیاست‌های کلان جامعه نیز، باید تجلی یابد. حاکم اسلامی باید همواره به‌دنبال تحقق عدالت و رفع نیازهای مردم باشد و از قدرت و امکانات خود، برای خدمت به مردم استفاده کند.

فضایل اخلاقی در تمام سطوح مدیریت جامعه

از دیدگاه امام خمینی قدس‌سره، فضایل اخلاقی باید در تمام سطوح مدیریت جامعه، از رهبری تا کارگزاران نظام، وجود داشته باشد. رئیس‌جمهور، وزرا و تمامی مسئولان نظام باید دارای فضایل اخلاقی مانند: تواضع، صداقت و مسئولیت‌پذیری باشند. این فضایل اخلاقی، نه‌تنها به تحقق عدالت و سعادت جامعه کمک می‌کند؛ بلکه اعتماد مردم به نظام اسلامی را نیز افزایش می‌دهد.

درنهایت، می‌توان گفت که پیوند اخلاق و سیاست در اندیشه امام خمینی قدس‌سره، یکی از اصلی‌ترین مبانی نظام جمهوری اسلامی است. از دیدگاه ایشان، سیاست بدون اخلاق، به فساد و ظلم می‌انجامد و اخلاق بدون سیاست، نمی‌تواند در سطح جامعه تحقق یابد. بنابراین، حاکم اسلامی و کارگزاران نظام باید همواره به فضایل اخلاقی پای‌بند باشند و در برابر حق و مردم، تواضع داشته باشند. این دیدگاه، نه‌تنها در سیاست‌گذاری و مدیریت جامعه اسلامی تأثیرگذار بوده است؛ بلکه الگویی برای تمامی جوامع اسلامی و غیراسلامی است که به دنبال تحقق عدالت و سعادت هستند.

زمانی مقام معظم رهبری فرمودند: «اگر کسانی این اصول را قبول ندارند، می‌توانند شهروند باشند؛ اما در رأس کارها نمی‌توانند قرار بگیرند؛ چراکه این نظام، نظام اسلامی است. باید مسائل اولیه دین را بپذیرند و مسائل اولیه اخلاقی را دارا باشند. اگر در جایی کوتاهی کنند، باید به آن‌ها تذکر داده شود؛ چراکه یک مدیر بر زیردستانش تأثیرگذار است. سیاست ما، سیاست الهی است و این سیاست الهی، مستلزم اتصاف به فضایل اولیه است. اگر فضایل دیگر مانند مسائل معنوی و بینش‌های عرفانی نیز وجود داشته باشد، قطعاً بهتر است. چه چیزی می‌تواند از این بهتر باشد؟»

بنابراین، یک سطح لازم از پای‌بندی به وظایف شرعی و مسائل اخلاقی برای مدیران ضروری است. به‌همین دلیل می‌بینیم که در انقلاب اسلامی، امام خمینی قدس‌سره چه فضایل گوناگونی از خود نشان دادند. ایشان دلسوزی‌های سیاسی فراوانی داشتند و نمی‌خواستند، ملت در ناآگاهی و بی‌سوادی باقی بمانند؛ لذا نهضت سوادآموزی را ایجاد کردند. همچنین نمی‌خواستند، فقر عمومی در جامعه وجود داشته باشد؛ به‌همین دلیل کمیته امداد را تأسیس کردند. در زمینه‌های دیگر اداره مطلوب جامعه نیز، اگر ضعفی در بنیه دفاعی کشور احساس می‌شد، سپاه و بسیج را تشکیل دادند.

به هر حال، اداره صحیح جامعه اسلامی بر اساس سیاست الهی و حاکمیت دینی، مستلزم رعایت اصول و ارزش‌های اخلاقی است. در تمامی این موارد، جنبه‌های اخلاقی مورد توجه قرار گرفته است. اگر جایی از امام قدس‌سره تعریف می‌شد، ایشان می‌فرمودند: «تعریف نکن آقا، تعریف نکن.» این رویکرد، همان پیاده‌کردن دستورات نورانی حضرت علی علیه‌السلام در نامه ایشان به مالک اشتر است. یکی از فرمایشات امیرالمؤمنین علیه‌السلام به مالک این است: «وایّاکَ وَالإِعجَابَ بِنَفسِکَ وَالثِّقَةَ بِمَا یُعجِبُکَ مِنهَا وَحُبَّ الْإِطْرَاءِ، فَإِنَّ ذَلِکَ مِنْ أَوْثَقِ فُرَصِ الشَّیْطَانِ فِی نَفْسِهِ لِیَمْحَقَ مَا یَکُونُ مِنْ إِحْسَانِ الْمُحْسِنِینَ»؛ بپرهیز از خودپسندی و اعتماد به آنچه تو را خوش آید و دوست‌داشتن ستایش؛ چراکه این‌ها از محکم‌ترین فرصت‌های شیطان برای از بین‌بردن حسنات نیکوکاران است.

این فرمان امیرالمؤمنین علیه‌السلام کامل‌ترین دستور در ابعاد مختلف معنوی، توحیدی، اخلاقی و حتی جزئیات عملی است. یک حاکم دینی باید این‌گونه باشد و ما امروز این ویژگی‌ها را در مقام معظم رهبری مشاهده می‌کنیم. ایشان نه‌تنها در روابط خانوادگی و عبادی، بلکه در روابط اجتماعی و سیاسی نیز این فضایل اخلاقی را رعایت می‌کنند.

لذا می‌بینیم که در تمامی مسائل حقوقی، دیدگاه‌های اخلاقی نیز لحاظ می‌شود. برای مثال، این‌که به زندانی نباید ظلم کرد یا او را کتک زد، یک اصل اخلاقی است که رعایت آن ضروری است؛ البته ممکن است برخی افراد درست عمل نکنند؛ اما این بحث دیگری است و نباید از اصول کلی غافل شد.

غرضم این است که هم در تئوری و هم در عمل، ارتباط اخلاق و سیاست به‌طور کامل مشهود است. این موضوع هم در سیره معصومین علیهم‌السلام و هم در عملکرد غیرمعصومین، چه در دوران حاکمیت ائمه علیهم‌السلام و چه در دوران غیبت، به‌وضوح دیده می‌شود. حتی در دوران غیبت، ائمه علیهم‌السلام از طریق یاران و پیروان خود، نوعی مدیریت مخفی جامعه را اعمال می‌کردند که این مدیریت نیز، همواره همراه با رعایت اخلاق و ارزش‌های الهی بود. برای مثال، حضرت امام صادق علیه‌السلام به مفضل‌بن عمر مقداری پول می‌دهند و می‌فرمایند: «این پول نزد تو باشد و زمانی که بین دوستان من اختلافی پیش آمد، با این پول اختلاف آن‌ها را حل کن.» این نشان‌دهنده توجه به حل مشکلات جامعه حتی در شرایط دشوار و با روش‌های اخلاقی است.

در جامعه اسلامی، حتی در دوران‌هایی که حاکمیت انحرافی وجود داشت، ائمه علیهم‌السلام و یاران‌شان به‌صورت پنهانی به نیازهای مردم رسیدگی می‌کردند. مثلاً در شرایط کمبود اقتصادی، حضرت به خادم خود می‌فرمودند: «در خانه گندم وجود دارد، آن را به بازار بفرست.» روایت شده است که در مدینه، زمانی که گرانی شدت گرفته بود، حضرت صادق علیه‌السلام از معتب پرسیدند: «چقدر خوراک در خانه داریم؟» معتب پاسخ داد: «به‌اندازه‌ای که برای چندین ماه کفایت کند.» حضرت فرمودند: «آن را به بازار ببر و بفروش.» معتب با تعجب گفت: «آقا، در شهر کمبود خوراک وجود دارد!»؛ اما حضرت تأکید کردند: «بفروش.» پس از فروش، حضرت فرمودند: «حالا مانند مردم، روز به روز خریداری کن.» سپس افزودند: «ای معتب! نصف خوراک خانواده‌ام را جو و نصف دیگر را گندم قرار بده؛ خدا می‌داند که می‌توانم، تمام خوراک آن‌ها را گندم قرار دهم؛ ولی دوست دارم خداوند ببیند که من معیشت را به‌اندازه و به‌اندازه نیاز تنظیم می‌کنم.» (الکافی، ج۵، ص۱۶۶) این اقدامات نشان‌دهنده دقت و توجه به نیازهای مردم و رفع مشکلات آن‌ها با روش‌های اخلاقی و عملی است.

رهبران ما نیز در طول تاریخ این روش را ادامه داده‌اند. امام خمینی قدس‌سره در زندگی شخصی خود بسیار ساده‌زیست بودند و حتی در سرمای زمستان، رنج سرما را تحمل می‌کردند؛ زیرا ملت‌شان در سختی به‌سر می‌بردند. مقام معظم رهبری نیز زندگی شخصی بسیار متعادل و در حد متعارف دارند و در تمام جنبه‌های زندگی، از جمله روابط خانوادگی، اجتماعی و سیاسی، اصول اخلاقی را رعایت می‌کنند. این رویکرد نشان‌دهنده تداوم همان سیره ائمه اطهار علیهم‌السلام و رهبران الهی در طول تاریخ است.

بنابراین، هم در تئوری و هم در عمل، اخلاق و سیاست در اسلام به‌طور کامل به هم گره خورده‌اند و این موضوع در زندگی معصومین علیهم‌السلام و رهبران الهی به‌وضوح دیده می‌شود. این پیوند ناگسستنی میان اخلاق و سیاست، نه‌تنها در گذشته، بلکه در دوران معاصر نیز به‌عنوان الگویی برای مدیریت جامعه اسلامی مطرح است.

▫ چه تحلیلی می‌توان از دستاوردهای انقلاب اسلامی از منظر اخلاق و معنویت ارائه داد؟ و با توجه به این دستاوردها، چه پیشنهادها و راهکارهایی می‌توان برای تقویت روحیه انقلابی و ارزش‌های اسلامی در نسل جدید مطرح کرد؟ چه مباحث و اقداماتی می‌تواند، به انتقال مفاهیم اخلاقی و معنوی انقلاب به نسل جوان کمک کند و آن‌ها را در مسیر حفظ و تداوم این ارزش‌ها قرار دهد؟

بحمدالله پیشرفت‌های علمی خوبی داشته‌ایم که عمدتاً با عنایات خاص مقام معظم رهبری محقق شده است. نکته مهم این است که اداره جامعه برای عموم مردم عمدتاً حول محور اقتصاد و جنبه‌های مادی زندگی می‌چرخد؛ اما در عین حال، مسائل فرهنگی نیز همواره مورد توجه قرار گرفته است. در هر سالی که شعارهایی برای رشد اقتصادی و پیشرفت مطرح شده، مقام معظم رهبری به مسائل فرهنگی نیز پرداخته‌اند؛ چه در پیام‌های‌شان و چه در سخنرانی‌های مختلف.

اما آنچه باید به آن توجه ویژه داشت، این است که دشمن دیگر نمی‌تواند از راه‌های مستقیم نظامی وارد شود و از طریق تحریم‌های اقتصادی نیز نتوانسته، به‌طور کامل موفق شود؛ البته ما در شرایط تحریم هستیم؛ اما در همین شرایط، به رشدها و نبوغ‌های چشم‌گیری دست یافته‌ایم. بنابراین، دشمن به سمت مسائل فرهنگی روی آورده است. اینجاست که نقش کسانی که زمام امور فرهنگی را در دست دارند، بسیار حیاتی می‌شود. این افراد باید به‌صورت مستقیم، مستمر، دلسوزانه و متحدانه وارد عمل شوند.

در کارهای فرهنگی، باید یک سیستم ارتباطی قوی شکل بگیرد که هم مسائل داخلی و هم مسائل خارجی به‌درستی تبیین شود. در بعد خارجی، دو موضوع مهم وجود دارد:

۱. روشن‌سازی سیاه‌نمایی‌های دشمن نسبت به ما.

۲. آشکارسازی بزرگ‌نمایی‌های دشمن درباره خودشان که هر دو توخالی و غیرواقعی هستند.

امروزه مسأله رسانه و تبلیغات به‌نوعی مهم‌ترین حربه دشمن برای ضربه‌زدن به حکومت‌هاست. با تجربیاتی که در این ۴۵ سال در عرصه‌های مختلف کسب کرده‌ایم، به نظر می‌رسد، باید به این مسأله اهمیت ویژه‌ای بدهیم. در عرصه‌های مختلف، نیاز به وحدت رویه داریم، از آگاهی‌بخشی دلسوزانه و واقع‌بینانه به دانشگاهیان، قشر جوان دبیرستانی و حتی خود ما حوزوی‌ها. ما نیاز به روشن‌بینی داریم تا مسائل به‌درستی برای‌مان روشن شود.

برای مثال، کارهایی که شهید سلیمانی رحمه‌الله‌علیه انجام داد، برای بسیاری از ما ناشناخته بود تا اینکه مقام معظم رهبری به آن اشاره کردند. ایشان چگونه وارد عراق شد و دست آمریکا را از این کشور کوتاه کرد؟ این‌ها باید به‌درستی تبیین شود. یکی از سرداران نزدیک به ایشان نقل می‌کرد که آمریکا پس از صدام، ارتش عراق را مسلح کرد و همه سلاح‌ها را در اختیار آن‌ها گذاشت؛ اما وقتی داعش به عراق حمله کرد، هیچ‌کس در برابر آن مقاومت نکرد تا نزدیکی‌های کربلا. این مرجعیت دینی بود که فتوا داد و حاج قاسم بود که آمد و همه را سازماندهی کرد. این‌ها باید گفته شود تا بدانیم، چه نیروها و شخصیت‌هایی داریم. وقتی این‌ها تبیین نشود، برخی با تبلیغات واهی دشمن گول می‌خورند.

این بسیار مهم است که آگاهی‌های صحیح و دقیق از توانایی‌های گوناگون خود داشته باشیم و از طرف دیگر، دشمن‌شناسی دقیقی نیز داشته باشیم. برخی از افراد ابا دارند که وقت خود را صرف این مسائل کنند؛ درحالی‌که این‌ها جزو تعالیم دینی ماست. همان‌طور که در حدیث آمده است: «العالم بزمانه، لا تهجم علیه اللوابس»؛ (تحف العقول، ۳۵۶) کسی که زمانه خود را بشناسد، مشکلات بر او هجوم نمی‌آورند.

برای مثال، آیت‌الله سیستانی با یک فتوا، حشدالشعبی را تشکیل داد و نقش بزرگی در مقابله با داعش ایفا کرد. اگر این مسائل به‌درستی تبیین شود، می‌تواند الهام‌بخش باشد. ما در تهران نیز گروه‌های سیاسی تشکیل داده‌ایم که کارهای خوبی انجام می‌دهند و می‌توانند، این مباحث را برای طلبه‌ها و دیگران تدریس کنند.

شناخت رژیم سابق و ماهیت آن، هنوز برای بسیاری پنهان است. مقام معظم رهبری به‌درستی اشاره کرده‌اند که رژیم سابق و حتی قبل از آن، قاجاریه، چقدر به این کشور اجحاف کردند. دشمن‌شناسی و فهمیدن منشأ نفوذ دشمن و چگونگی بیرون‌راندن آن، از مسائل بسیار دقیقی است که نیاز به کارشناسان دلسوز، آگاه و متدین دارد تا در عرصه‌های مختلف به روشنگری بپردازند.

الحمدلله حرکت عمومی و معنوی در جامعه شکل گرفته است؛ اما باید بنیه آن تقویت شود. جوانان ما، مانند حاج قاسم، واقعاً قابل تقدیر هستند. دختران و پسران جوانی که در راه دین و انقلاب گام برمی‌دارند، باید از نظر فرهنگی تقویت شوند تا شاکله دینی آن‌ها حفظ شود. در عین حال، به امور دنیایی و زندگی آن‌ها نیز باید رسیدگی کرد. نمی‌توان تنها به مسائل معنوی پرداخت و از نیازهای مادی غافل شد.

مسئولین ما نیز وظیفه سنگینی بر عهده دارند. آن‌ها باید بنیه اقتصادی کشور را درک کنند و آن را ضعیف نشان ندهند. در برخی دولت‌ها، این بنیه ضعیف جلوه داده می‌شود و دشمن از این ضعف سوء استفاده می‌کند. ما در هر جایگاهی که هستیم، وظایف خاص خود را داریم. باید بدانیم در چه زمانی زندگی می‌کنیم، دشمنان و دوستان ما چه کسانی هستند، امکانات ما چیست و چگونه می‌توانیم نقشه‌های دشمن را خنثی کنیم. این‌ها مسائلی است که باید با دقت و هوشیاری به آن‌ها پرداخت.

▫ به نظر حضرت‌عالی، تبیین کدام جنبه‌های انقلاب اسلامی می‌تواند برای مخاطبان خارج از ایران جذاب باشد؟ آیا این جنبه‌ها به‌اندازه کافی شناخته شده‌اند یا نیاز است، کارهای بیشتری در این زمینه انجام شود؟

ما الان واقعاً در حوزه رایزنی‌های فرهنگی‌مان با چالش‌هایی مواجه هستیم. برخی از عزیزانی که در رایزنی‌های فرهنگی فعالیت می‌کنند، گاه به این مسائل فرهنگی اعتقاد چندانی ندارند و صرفاً برای انجام وظیفه حضور پیدا می‌کنند. این در حالی است که رایزنی‌های فرهنگی، مسئولیت سنگینی در معرفی انقلاب اسلامی و ارزش‌های آن و موفقیت‌های گوناگونی در عرصه بهداشت، رشد صنعت، اختراعات نظامی و مهندسی و تحکیم روابط صحیح سیاسی و استقلال سیاسی انقلاب به عهده دارند. لازم است ارتباطات گوناگونی با نخبگان، فرهنگیان، فعالان اقتصادی و دانشگاهی و مردمی کشورها برقرار کنند و این موفقیت‌ها را با دلایل روشن برای آنان ترسیم کنند.

متأسفانه برخی از این رایزنی‌ها، بیشتر به مسائل سطحی مانند موسیقی و ساز و آواز می‌پردازند؛ درحالی‌که شاکله اصلی انقلاب اسلامی، باید معرفی شود؛ هم از نظر بیانی و هم از نظر سیره و روش‌هایی که انقلاب بر پایه آن‌ها استوار است. سیره ما باید سیره‌ای خوب و الهام‌بخش باشد.

در این شرایط بحرانی، شاهد بودیم که شهید آیت‌الله رئیسی رحمه‌الله‌علیه چگونه به‌عنوان یک مسئول خدوم و دلسوز به انقلاب خدمت کرد و خود و وزرای‌شان را به بهترین شکل معرفی نمود. این الگوها باید بیشتر شناخته و معرفی شوند تا مردم با چهره واقعی انقلاب اسلامی بیشتر آشنا شوند. به‌طور کلی، هنوز بسیاری از ابعاد انقلاب اسلامی به‌درستی شناخته نشده‌اند و نیاز است، در این زمینه کارهای بیشتری انجام شود.

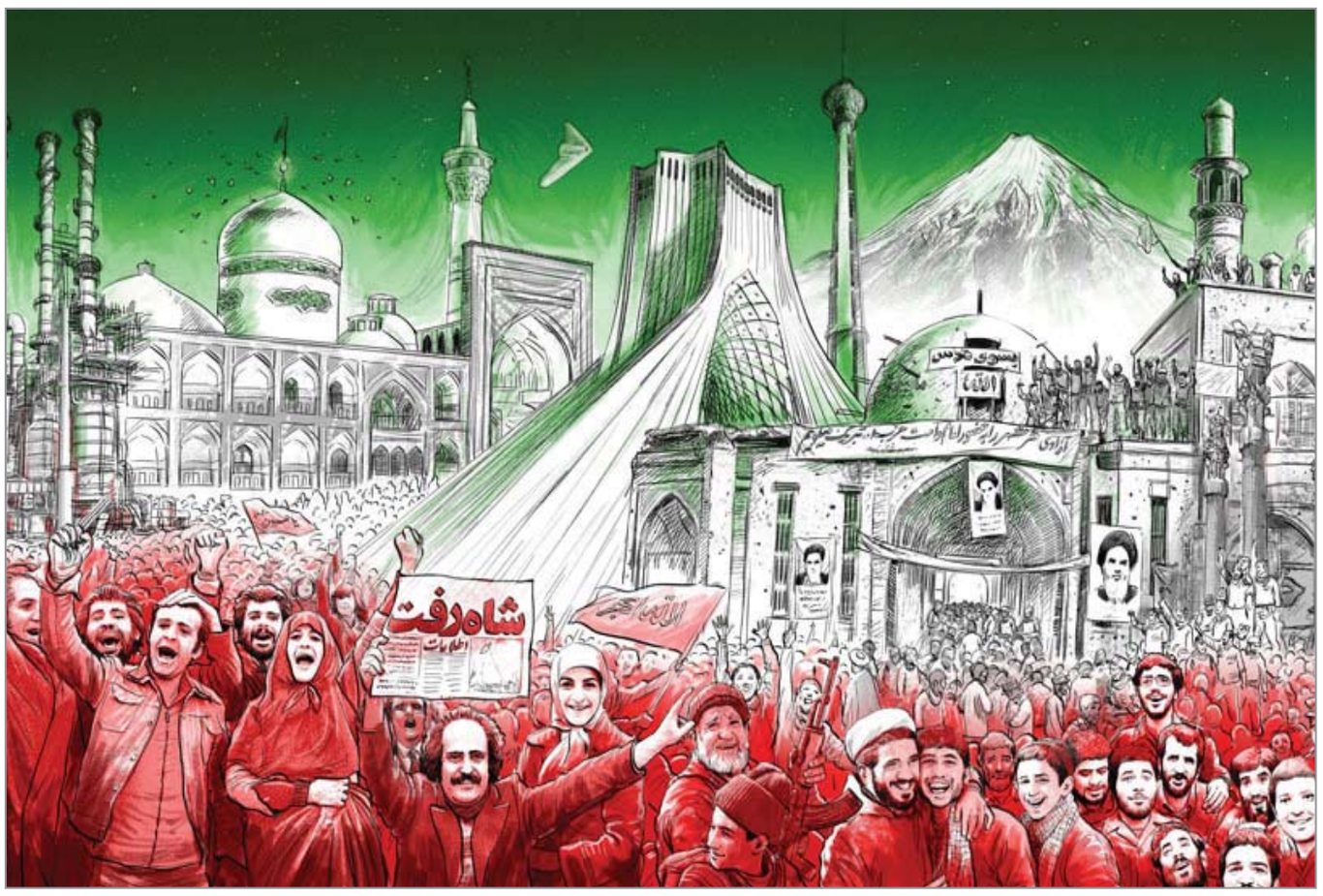

گفت‌وگو، ویرایش و تنظیم: حمید کرمی، عماد شالیکاریان